

به نام خداوند جان و خرد

۱- تخم مرغ طلائی ثروت

نویسنده:

جان سفوریک

مترجم:

ابوالفضل طاهریان ریزی



سرشناسه: سوفوریک، جان
Soforic, John
عنوان و نام پدیدآور: ۱۰ تخم‌مرغ طلایی ثروت/ نویسنده جان سفوریک؛ مترجم ابوالفضل طاهریان‌ریزی.
مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۷۲ص:؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۰۱۴-۳
وضعیت فهرست نویسی: قیفا
یادداشت: The 10 seeds of wealth.
عنوان گسترده: ده تخم‌مرغ طلایی ثروت.
موضوع: ثروت
موضوع: Wealth
موضوع: ثروت -- جنبه‌های روان‌شناسی
موضوع: Wealth -- Psychological aspects
موضوع: سرمایه‌گذاری -- جنبه‌های روان‌شناسی
موضوع: Investments -- Psychological aspects
موضوع: طاهریان ریزی، ابوالفضل، ۱۳۵۲ - مترجم
رده بندی کنگره: HB ۲۵۱
رده بندی دیویی: ۳۳۰/۱۶
شماره کارشناسی ملی: ۷۴۱۲۰۸۸



«۱۰ تخم‌مرغ طلایی ثروت»

- نویسنده: جان سفوریک ● مترجم: ابوالفضل طاهریان ریزی
 - نوبت چاپ: دوم ● سال چاپ: ۱۴۰۲ ● تیراژ: ۱۰۰ جلد ● قیمت: ۶۵/۰۰۰ تومان
 - تایپ، صفحه‌بندی و طرح جلد: آرزو خسروپور ● چاپ: شهر
 - شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۰۱۴-۳ ● شابک الکترونیک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۰۱۵-۰
-
- آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱
تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ www.Taherianpress.com
- با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۶۶۴۹۲۷۳۳-۱۰۰۰۰۰ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

فهرست

بخش ۱: ۱۰ تخم مرغ طلایی ثروت..... ۵

بخش ۲: پانزده فضیلت ثروت..... ۶۳

مقدمه

علی‌الرغم اینکه من نسبتاً زندگی مرفه‌ی داشتم مدتها بود که ذهنم درگیر سئوالاتی اساسی در مورد ثروت و دارایی شده بود. ایمان داشتم که دانستن پاسخ‌های درست این سئوالات، می‌تواند تغییر زیادی را در کیفیت زندگی ام ایجاد کند.

پس به دنبال فردی بودم که خود راه ثروت را رفته باشد و بتواند پاسخ‌های فوق‌العاده‌ای را هم به من بدهد. این جستجو آسان نبود ولی بالاخره نتیجه داد و من با راک که همه او را راک ثروتمند بود آشنا شدم. او ثروتمندی دنیا دیده بود که بسیار هوشمندانه در سرمایه‌گذاری‌ها مشارکت می‌کرد و البته کمی کم حوصله بود.

من با پی‌گیری‌ها و خواهش‌های فراوان بالاخره چند جلسه‌ای از او وقت گرفتم؛ در طی این جلسات من باید به نکات کلیدی و سئوالات مهم می‌پرداختم. ... و این کتاب حاصل این جلسات بود که من سعی دارم آنرا با شما به اشتراک بگذارم و امیدوارم که برای شما نیز کاربرد داشته باشد.

بخش ۱

ده تخم مرغ ملایی ثروت

فکر کردن به ثروت

«کسی که گل را می‌جوید گل را خواهد یافت و کسی که علف هرز را دوست دارد علف هرز خواهد یافت.»
«هنری وارد بیچر»

«آیا ثروت نتیجه خودانضباط پذیری است؟»
«بله ولی نه کاملاً. چیزی که بیشتر اهمیت دارد شناختن آن چه می‌خواهی است — اهداف روشن و معین با یک تاریخ دستیابی مشخص — و دانستن این که چرا آن را می‌خواهی است. مردم ثروتمند می‌دانند چرا می‌خواهند ثروتمند شوند. آن‌ها دلیل‌های عمیق‌تری دارند. وقتی بالا رفتن سخت می‌شود، انضباط پذیری ضعیف می‌شود ولی یک هدف وادارکننده برای منفعت‌های پولی عزم ما را تقویت خواهد کرد.»

«تو می‌گویی مردم پولدار در این‌که چرا ثروت می‌خواهند، روشن‌تر هستند؟»

«در واقع بله. توده‌ی مردم شاید ثروت بخواهند ولی خواست آن‌ها با خواست‌های زیاد دیگری تکمیل می‌شود. اندوختن پول برای کسانی رخ می‌دهد که به جست‌وجوی آن می‌روند و خواسته‌های مغایر را فدا می‌کنند. این اشخاص با تمرکز کردن، پراکنده‌نگری را فراری می‌دهد. ثروتمندان گرایش به کوچک کردن هدف‌های خود و تنظیم کردن زمان و تلاش خود دارند. آن‌ها از پی‌گیری‌های سرسری دوری می‌کنند زیرا آن‌ها پول می‌خواهند و لایف‌استایلی که با آن به وجود آید.»

جیمی نیشخند زد و گفت: «مانند لامبورگینی؟»

راک لبخند زد و پاسخ داد: «هر چیزی که دیگ درون تو را به جوش بیاورد. در واقعیت، بیشتر مردم که ثروتمند یک لایف‌استایل فروتنانه دارند. آن‌ها به عبارتی اندوخته‌گر هستند نه خرج‌کننده‌های بزرگ. آن‌ها بر بازی طولانی متمرکز هستند. چرایی‌های آن‌ها برای خواستن ثروت متفاوت است ولی همه‌ی ثروتمندان متفق‌القول ثروت می‌خواهند.»

جیمی پرسید، تقریباً از خودش: «همه ثروت نمی‌خواهند؟»

«بله ولی مردم متوسط آن را بدون زحمت می‌خواهند ولی ثروتمندان به پول جدی‌تر فکر می‌کنند. آن‌ها بر اثر اهداف بزرگ‌تر خود، تجمل‌گرایی امروز را برای وعده‌ی فردا فدا می‌کنند. آن‌ها می‌دانند که چه می‌خواهند

« و

جیمی در حالی که لبخند می‌زد، حرف او را برید: «... و آن‌ها می‌دانند چرا آن را می‌خواهند. به نظر می‌آید تو سربسته می‌گویی بسیاری از ثروت‌ها از فکر کردن می‌آید.»

راک چشم‌هایش را بست: «فکر کردن به ثروت منجر به رفتارهایی می‌شود که منتهی به اندوختن می‌شود. بدون توجه به انگیزه‌های پشت آن، ما دوباره‌ی هر چه فکر کنیم گرایش به واقعی شدن دارد. دنیای بیرونی چیزی جز بازتاب دنیای درونی ما نیست. این یک حقیقت همیشگی در زندگی من بوده است.»

جیمی ابرویش را بالا برد و گفت: «این طور نیست که درآمد بالا با ثروت آینده لازم و ملزوم هم باشند؟»

«جمع کردن پول نیازمند عملکردها و انتخاب‌هایی است که با افزایش تدریجی سازگار باشند. ثروتمند به اندوختن فکر می‌کنند. آن‌ها برای متفاوت فکر کردن هیجان‌زده هستند.»

«آن‌ها دقیقاً دوباره‌ی چه چیزهایی متفاوت فکر می‌کنند؟»

«آن‌ها دوباره‌ی مسیر خود فکر می‌کنند. هدف‌های خود را می‌شناسند. زمانی را به تنهایی برای اندیشیدن می‌گذرانند. آن‌ها دوباره‌ی ثروت فکر می‌کنند. آن‌ها برای پولدارتر شدن، مطالعه و برنامه‌ریزی می‌کنند. آن‌ها می‌دانند چه قدر ارزش دارند، چه قدر به دست می‌آورند، چه قدر خرج می‌کنند و پول کجا می‌رود. ثروتمندان به خاطر پیشرفت خود شادتر هستند و همیشه تلاش می‌کنند سود بیشتری با افزایش درآمد خود به دست بیاورند در حالی که هزینه‌های خود را کم می‌کنند.»

«بنابراین اولین دانه برای ثروت، فکر کردن زیاد دوباره‌ی ثروت است؟»

باغبان ثروتمند لبخند زد: «... و بدانی چرا ثروت برای تو مهم است.»
 ثروت فراوانی دارایی یا پول است. کسانی که سرانجام ثروت به دست می‌آورند درباره‌ی آن زیاد فکر می‌کنند. در این مورد دیو رامزی گفت: «شما باید در ضرب‌آهنگ یک طبل‌زن متفاوت راه بروید، همان ضربی که ثروتمندان می‌شنوند. اگر این ضرب صدای نرمال دهد، شما باید بی‌درنگ صحنه‌ی حرکات موزون با این ضرب را ترک کنید! هدف نرمال بودن نیست زیرا نرمال فاقد پول فراوان است.» شما نیاز به یک هدف روشن و یک راه بزرگ دارید.

رابرت کولیر می‌گوید: «تمام ثروت‌ها ریشه‌ی خود را در ذهن دارند.»
 تونی دلیسو می‌گوید: «بهترین آرزوهای خود را به قلب خود نزدیک کنید و ببینید چه اتفاقی می‌افتد.»

بینشی از ثروت در قلب خود نگه دارید. هدف‌های خود را بنویسید و آن‌ها را در شب و صبح بخوانید. پول اندوخته شده را در مالکیت خود احساس کنید و خود را در حال انجام خدمات برای به دست آوردن آن ببینید. در خلوت، خود را مطمئن کنید که ثروتمند شدن سرنوشت شماست. احساس کامیاب بودن داشته باشید تا طبیعی به نظر برسد. ثروت را به عمق ذهن خود برانید. ایمانی بسازید که همه‌ی تردیدها را جابه‌جا می‌کند.

برایان تریسی می‌گوید: «یک حس هوشیاری کامیابی مانند آهن به یک آهن‌ربا، به پول حمله می‌کند.» روزها می‌گذرند و با تمرکز ثروت ما رشد می‌کند.

فکر کردن به ثروت بر ذهن تاثیر می‌گذارد تا انتخاب‌های بهتر اتخاذ کند. بنجامین فرانکلین می‌گوید: «شما اگر ثروتمند باشید، به پس‌انداز مانند سرمایه‌گذاری فکر می‌کنید.» رابرت کیوساکی می‌گوید: «ثروتمندان در پایان تجملات می‌خرند، در حالی که فقیران و افراد متوسط به خریدن تجملات در ابتدا گرایش دارند.»



ثروتمندان فردا؛ اندوخته‌کنندگان امروز هستند، آن‌ها متمرکز، خودانضباط پذیر و کسب‌کنندگان متداوم با تحقیرسازی خرج کردن هستند. آن‌ها درباره‌ی ثروت و این‌که در زندگی آن‌ها چه معنی می‌دهد، فکر می‌کنند. آن‌ها از تجملات امروز که بسیاری درگیر آن هستند رد می‌شوند.

دانستن این‌که چرا کسی ثروت می‌خواهد — بزرگ‌ترین خواسته یا بدترین ترس — برای عزم راسخی که از هر اندوخته‌ی مالی پیشی می‌گیرد، حیاتی است. دلایل ما بر عزم ما لنگر می‌اندازند. ثروتمندان می‌دانند چرا ثروت می‌خواهند.

برای مثال، جورج اورول انگیزه‌ی واضحی برای ثروت داشت: «نداشتن پول یعنی ناآسودگی، یعنی نگرانی‌های فلاکت‌زدگی، یعنی انبار تنباکو، یعنی حضور همیشگی آگاهی شکست؛ بالاتر از همه، یعنی تنهایی.»
 وارن بافت و چارلی مانگر می‌دانستند چرا به ثروت نیاز دارند. مانگر می‌گوید: «من مانند وارن شوق قابل ملاحظه‌ای برای پولدار شدن داشتم، نه به این خاطر که ماشین فراری می‌خواستم؛ من استقلال می‌خواستم. من شدیداً آن را می‌خواستم.»

ثروت اندوزی، پیش از عملکردها و انتخاب‌هایی که منجر به آن شدند، مستلزم فکر کردن غیرمعمولی است. ثروتمند باید ثروت را بیشتر از آن‌ها که راحتی، تجمل یا موقعیت اجتماعی را می‌خواهند، بخواهد. ثروت کسانی را پیدا می‌کند که به وضوح می‌دانند چه می‌خواهند — و چرا آن را می‌خواهند — و زمان زیادی را به فکر کردن درباره‌ی آن می‌گذرانند.

درس زندگی: به ثروت فکر کردن

از آنجایی که من مایل بودم هرچه در زندگی به آن فکر کردم را به دست بیاورم، روزانه بر ثروت و دلیل خواستن آن تمرکز کردم.

صرفه جویی

«باکاشت صرفه جویی ما آزادی مالی درو می‌کنیم، یک برداشت

طلایی.»

«آجسیلاس»

«تلاش برای ثروتمند شدن بدون مهار کردن هزینه‌ها مانند تلاش برای وزن کم کردن بدون کم کردن کالری‌هاست.» راک بر روی کاناپه لم داده بود این جمله را گفت.

جیمی سرگرم مقایسه کردن بود که گفت: «ولی من مردم ثروتمندی را می‌بینم که ماشین‌های گران می‌رانند و در خانه‌های زیبا زندگی می‌کنند.» راک به حالت صاف قرار گرفت و پرسید: «واقعا؟ و می‌دانی این مردم چگونه ثروت اندوختند؟»

جیمی به این پرسش سریع پاسخ نداد.

«واقعیت این است که تو نمی‌دانی، می‌دانی؟ تو فقط خرج کردن آن‌ها را می‌بینی — نه حساب‌های بانکی آن‌ها را. تو صاحب درآمدهای بالایی را می‌بینی که «پیامدهای اعتبار» مصرف می‌کنند ولی هرچه خرج کردن آن‌ها دیدنی‌تر باشد کمتر احتمال دارد که پس‌انداز کنند.»

«شاید آن‌ها قدرت مالی این دارایی‌ها را دارند و با این وجود پس‌انداز هم می‌کنند.»

راک ثروتمند تایید کرد: «این غیرممکن نیست، ولی باورنکردنی است. دلیل این است، بیشتر مردم، بدون توجه به عوامل دیگر، گرایش به بالا بردن خرج بر درآمد خود دارند. من فردا بر روی این بیشتر تاکید خواهم کرد ولی این رفتار توضیح می‌دهد چرا افراد کمی ثروتمند می‌شوند و در پایان همه‌ی ثروت خود را به باد می‌دهند. این گرایش به ویژه در میان کسانی که شغل‌های بلندپایه با درآمدهای بالا دارند متداول است.»

جیمی به این توجه کرد و گفت: «ولی تو چیزهای بسیاری داری.» راک ثروتمند خندید: «چیزی که من دارم به دست آوردن پول و هزینه‌ی من هرگز با درآمد در حال افزایش من پیش نرفته است. پیشه‌ی من کشاورزی است و کشاورزان بهتر از اهل حرفه‌ی دیگر درآمد خود پس‌انداز می‌کنند. صرفه‌جویی برای من ساده بوده است زیرا نیازهای من کم بوده‌اند. من سادگی را دوست دارم.»

جیمی تایید کرد: «اما من سادگی و آزادی را دوست دارم.» راک ثروتمند ابرویش را بالا برد و گفت: «می‌گویند تو یک ماشین جدید بیرون خانه محقر من پارک کردی. می‌گویند در خانه‌ای با استخر شنا، تسهیلات بدن‌سازی و زمین تنیس زندگی می‌کنی.» جیمی در واکنش شدید شد: «خوب من به یک ماشین و یک خانه نیاز داشتم.»



راک ثروتمند تایید کرد: «البته که نیاز داشتی، ولی تنها یک تشخیص عاقلانه بین نیازها و خواسته‌ها هست. تو به یک ماشین نیاز داشتی ولی تو یک ماشین جدید می‌خواستی. تو به یک خانه نیاز داشتی ولی تو یک خانه‌ی مجلل می‌خواستی. اگر تو بیشتر از ۲۵,۰۰۰ دلار در سال در نیاوری، الزام مالی به تو تفاوت بین نیازها و خواسته‌هایت را خواهد آموخت. همین‌طور که هست، تو می‌توانستی بیش از نیازهای اساسی‌ات انتخاب کنی. این تله‌ی لایف‌استایل گسترده‌شونده است.»

جیمی آه بلندی کشید: «ولی من نمی‌خواهم مثل یک آدم فقیر زندگی کنم.»

راک ثروتمند تایید کرد: «تنها تو می‌توانی انتخاب کنی، فقط خودت را فریب نده. خرج کردن لذت‌بخش است ولی صرفه‌جویی منجر به آزادی مالی می‌شود. خرج کردن در لحظه خوشنودکننده است ولی می‌تواند

منجر به گرفتاری و سختی شود. ماشین‌های لوکس و خانه‌های گران به قیمت به باد دادن ثروت هستند.»

جیمی در حالی که به این حرف‌ها فکر می‌کرد، پاسخی نداد.

راک ادامه داد: «همه درمانی برای مشکلات مالی خود می‌خواهند ولی

هیچ‌کس مصرف دارو را دوست ندارد. صرفه‌جویی یک دارو است.»

جیمی در تقابل گفت: «من مشکلی با فداکاری ندارم، فقط شاید برای

افزایش درآمدهایم به منظور بردن بازی ثروت متمایل‌تر باشم.»

راک ثروتمند گفت: «رسیدگی به امور مالی اشخاص بدون هوش مالی

مانند یک سد با نشستی‌های بسیار است. آب با وجود ترکهای زیاد

رودخانه نمی‌تواند انباشته شود. همین‌طور یک عمر درآمد بدون

صرفه‌جویی، ثروت را همیشه به تحلیل می‌رود.»

جیمی با حالتی ناموافق لبخند زد: «باشد، من این نشستی‌ها و ترکهای

لعنتی را می‌بندم!»

صرفه‌جویی خرج کردن پول در چیزهایی که ضروری هستند است. یک

ضرب‌المثل غنایی به ما می‌گوید: «کسی نمی‌تواند هم در نعمت فراوان

عیش و نوش کند و هم توانگر شود.» بنجامین فرانکلین می‌گوید: «از

هزینه‌های کوچک آگاه باشید؛ یک نشست کوچک یک کشتی بزرگ را غرق

می‌کند.» در روزگاران قدیم کسی که پولی پس‌انداز می‌کرد، خسیس و

زراندوز نامیده می‌شد؛ اما امروزه همان شخص یک شگفتی‌ساز است.

صرفه‌جویی هنر است.

اندوختن ثروت این‌گونه است

برآورد می‌شود که کمتر از ۳ درصد از جمعیت آمریکا میلیونرهای نسل اول می‌شوند. کسانی که به این درجه می‌رسند به ندرت تا زمان پنجاه سالگی خود نشان می‌دهند. آن‌ها به کار سخت و انضباط پذیری بها می‌دهند. آن‌ها قرض‌کننده نیستند. بیشتر نزدیک به طبقه‌ی متوسط زندگی می‌کنند. میلیونر متوسط بودن احتمالاً این‌طور نیست که ثروت را در معرض نمایش قرار دهند. دوستان و قوم و خویش معمولاً سرنخ کمی از پولدار بودن این میلیونرها دارند. بیشتر آن‌ها ماشین‌های دست دوم دارند. بیشتر دفاع قوی، آن‌ها را در امتیاز بیشتر گرفتن در رقابت کمک می‌کند، حتی از کسانی که درآمد بسیار بالایی دارند.

دفاع مالی مستلزم کمی میانه‌روی با ذره‌ای فروتنی است که به یک تکان بزرگ از تفکر مستقل اضافه می‌شود. مردم پولدار با زندگی کردن جوری که ورشکست هستند، پولدار می‌مانند؛ مردم ورشکسته با زندگی کردن مانند کسانی که پولدار هستند، ورشکسته می‌مانند. میلیونرهای آینده هزینه‌ها را کنترل می‌کنند. آن‌ها در زیاده‌روی کردن خود تاخیر می‌کنند.

خوشنودی دیرآیند کلید اندوختن اموال است. شما نباید خودتان را برای هر وظیفه‌ای خیلی خوب بدانید نه فکر کنید مجاز به داشتن وقت آزاد، سرگرمی، آسایش، نشانه‌های شان و اعتبار (مثل ماشین گران‌قیمت) یا زیاده‌روی خودنمایانه هستید. خوشنودی‌های فوری از ثروت درازمدت جلوگیری می‌کند.